

حلية وحرمة الحيوانات المائية في الفقه الإسلامي من وجهة نظر المذاهب الفقهية بمنهج نحو تحليل فقهي للآية ٩٦ من سورة المائدة

محسن ملك أفزلي أردكاني^١، محمد تقى مرادي^٢

محمد علي رضايي جراتي^٣، سعيد محمد بور^٤

[تاريخ الاستلام: ١٤٥٢/٩/٤؛ تاريخ القبول: ١٤٥٢/١٢/١٤ - ش]

الملخص

هناك وجهات نظر متنوعة في الفقه المذاهب بشأن حلية الحيوانات المائية؛ بدءاً من تقييد حلية الحيوانات المائية في الأسماك القرشبة التي يتم صيدها حية، إلى إعتبار جميع أنواع الأسماك حلالة بغض النظر عن شكلها وجودتها. يتمسك بعض المذاهب الفقهية بآية ٩٦ من سورة "المائدة فيما يتعلق بحلية أنواع مختلفة من الحيوانات المائية وحليتها الميتة والتي تقول "أَحْلَلْ لَكُمْ صَيْدُ الْبَحْرِ وَطَعَامَهُ". يعى استخدام المصادر المكتبية والدراسة التحليلية والوصفية في هذا البحث، تم الاستنتاج أن التمسك بالآية لحلية أنواع مختلفة من الحيوانات المائية غير صحيح نظراً لعدم وضوح الآية في هذا السياق. بالإضافة إلى ذلك، نظراً لسياق الآية وظهورها في تحريم صيد الحيوانات البحرية وحلية الطعام المعد للحجاج في منطقة المسجد الحرام، فإن التمسك بعبارة "صَيْدُ الْبَحْرِ" لحلية جميع أنواع الحيوانات المائية وعبارة "وَطَعَامَهُ" في تطبيقها على الأسماك الميتة ليست صحيحة؛ وبالتالي لا يمكن الاعتماد على هذه الآية لإثبات حلية أنواع مختلفة من الحيوانات المائية وحلية الحية والميتة منها كقاعدة عامة.

الكلمات المفتاحية: الحيوانات المائية، الأطعمة، الأظعمة البحرية، الطعام الحلال، آيات الأحكام،

فقه المذاهب.

١. أستاذ قسم الفقه والقانون، جامعة المصطفى العالمية، قم، إيران mohsenmalekafzali@yahoo.com

٢. طالب دكتوراه في الفقه وأسس القانون الإسلامي، جامعة قم، قم، إيران (المؤلف المسؤول) mtmoradi1402@gmail.com

٣. أستاذ في الحوزة العلمية وخريج على مستوى الرابع للحوزة العلمية، قم، إيران Mohammadaali.69@yahoo.com

٤. خريج دكتوراه في الالهييات، جامعة طهران، طهران، إيران muhammadpour@ut.ac.ir

حلیت و حرمت آبزیان از دیدگاه مذاهب فقهی با رویکردی به تحلیل فقهی آیه ۹۶ سوره مائده

محسن ملک آفضلی اردکانی^۱

محمدتقی مرادی^۲

محمدعلی رضایی چراتی^۳

سعید محمدپور^۴

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۹/۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۴]

چکیده

فقه مذاهب در حلیت آبزیان، دیدگاه‌های گوناگونی دارد؛ از انحصار حلیت آبزیان در ماهی فلس داری که زنده صید شود تا حلال دانستن همه گونه‌های آبزیان به هر شکل و کیفیتی که یافت شوند. برخی از مذاهب فقهی، در حکم به حلیت گونه‌های مختلف آبزیان و حلیت میته آنها، به آیه ۹۶ سوره «مائده» یعنی «أَجَلٌ لَّكُمْ صَيْدُ الْبَحْرِ وَطَعَامُهُ» تمسک کرده‌اند. در پژوهش پیش‌رو به شیوه توصیفی - تحلیلی و بهره‌گرفتن از منابع کتابخانه‌ای، با بررسی شأن نزول و دلالت آیه، این نتیجه به دست آمد که با توجه به در مقام بیان نبودن آیه، تمسک به آن برای حلیت گونه‌های مختلف آبزیان درست نیست. همچنین با توجه به سیاق آیه و ظهور آن در تحریم صیادی حیوانات دریایی و حلیت غذاهای از پیش آماده شده برای حجاج در محدوده مسجد الحرام، تمسک به فقره «صَيْدُ الْبَحْرِ» در حلیت همه گونه‌های آبزیان و فقره «وَطَعَامُهُ» در تطبیق آن بر میته ماهی‌ها نیز درست نمی‌باشد؛ از این رو برای اثبات حلیت گونه‌های مختلف آبزیان و حلیت زنده و مرده آنها به عنوان یک حکم کلی، نمی‌توان به این آیه تمسک کرد.

کلیدواژه‌ها: آبزیان، اطعمه، غذاهای دریایی، غذای حلال، آیات الأحکام، فقه مذاهب.

۱. استاد گروه فقه و حقوق، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران mohsenmalekafzali@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول) mtmoradi1402@gmail.com

۳. استاد حوزه علمیه و دانش آموخته سطح ۴ حوزه علمیه، قم، ایران Mohammadali.69@yahoo.com

۴. دانش آموخته دکتری الهیات، دانشگاه تهران، تهران، ایران muhammadpour@ut.ac.ir

مقدمه

حیوانات بحری (آبزی)، حیواناتی هستند که فقط در آب زندگی می‌کنند (حجاوی، [بی تا]: ج ۴، ص ۳۱۶؛ ابن حزم، [بی تا]: ج ۵، ص ۳۸۵؛ جوادی آملی، ۱۳۹۰: ج ۲۳، ص ۶۰۲). آبزبان عبارت‌اند از گونه‌های گیاهان، حشرات، حیوانات، ماهیان. در رویکرد فقه اسلامی، غذاهای دریایی بسان غذاهای بَرّی و پرندگان، حلال و حرام دارند. یکی از آیاتی که به اجمال به حلیت آبزبان اشاره دارد، آیه ۹۶ سوره «مائده» است که بیان می‌دارد: «أُحِلَّ لَكُمْ صَيْدُ الْبَحْرِ وَطَعَامُهُ مَتَاعًا لَكُمْ وَلِلْغِيَاةِ».

برخی از مذاهب فقهی با تمسک به این آیه، از دو بعد در دلالت آیه بر حلیت آبزبان، توسعه می‌دهند و حیوانات دریایی را حلال دانسته‌اند: ۱. حلیت همه گونه‌های دریایی، از جمله هشت پا، فک آبی، خرچنگ و غیره؛ ۲. حلیت ماهی، اعم از اینکه در آب بمیرد یا بیرون آب. هر دو برداشت از نظر فقه شیعه، مردود است و در حیوانات دریایی، غیر از ماهی فلس داری که زنده از آب صید شود، بقیه گونه‌ها (به جز میگو) حرام دانسته شده است.

این تفاوت در فتوا افزون بر اختلاف علمی، باعث می‌شود عنوان «نشان حلال» که در کشورهای اسلامی و در بازار حلال اروپا، روی انواع کنسروها ثبت می‌شود و بیشتر بر فتوای مذاهب اهل سنت تمرکز می‌کند، برای شیعیان مشکل‌آفرین شود. این مقاله در تدوین «استاندارد غذای حلال» توسط کارشناسان استاندارد کشورهای اسلامی، نقش بسزایی دارد و راه را برای اجرای استاندارد حلال سازمان کنفرانس اسلامی هموارتر می‌کند؛ همچنین کمک می‌کند صدور گواهی «برند حلال» با هماهنگی مؤسسه استاندارد و اندازه‌شناسی کشورهای اسلامی (اسمیک) با دقت بیشتری انجام پذیرد؛ برای نمونه امروزه با توسعه صید تجاری، برخی از شرکت‌های بزرگ صیادی، با «الکترونوکوز» به ماهی‌ها شوک وارد کرده و سپس آنها را صید می‌کنند. این روش، عملکرد طبیعی مغز را برای مدت کوتاهی مختل

می‌کند و مانع کارکرد تنفسی می‌شود. آبزیان هنگامی که در یک میدان الکتریکی برای زمان کافی نگه داشته شوند، مغزشان به شدت آسیب می‌بیند و تنفس‌شان از بین می‌رود؛ بنابراین به دلیل کمبود اکسیژن می‌میرند (<https://barghnews.com>؛ ۴۷۵۶۴)؛ درحالی‌که اگر ماهی داخل آب بمیرد، نمی‌توان از ماهی استفاده کرد. همچنین در توسعه حلیت آبزیان به همه گونه‌های دریایی، اعم از ماهی و غیرماهی، در سایت‌های فروش غذاهای دریایی در ایران (<https://crabmarket.net/product>)، این آبزیان به فروش گذاشته شده‌اند: هشت پای پاک شده، هر کیلو معادل نهصد هزار تومان؛ شاه‌خرچنگ (مادکرب)، نیم کیلو معادل هفتصد هزار تومان؛ خرچنگ قرمز (خرچنگ موزاییکی)؛ فیله صدف استوانه‌ای، نیم کیلو معادل پانصد هزار تومان؛ اسکویید نرم تن دریایی سرشار از پروتئین و فسفر با طبع گرم؛ اویستر سس یا سس صدف و غیره. برخی از این غذاها مانند نودل هشت پای کالاماری خارجی، با مارک حلال ترویج می‌شوند (<https://zarebin.ir/bazarplus>). این تغییر در سبک زندگی و ذائقه غذایی مردم و گرایش به ترویج غذای حرام، اهمیت این نوشتار و جای خالی طرح این مباحث را نشان می‌دهد.

در دلالت فقهی این آیه، اختلاف نظرهای زیادی وجود دارد. علامه طباطبایی ضمن اشاره به گفتگوهای فقهی زیاد در این آیات، بیان می‌دارد: «اگر کسی بخواهد از آن مطلع شود، باید به کتب فقهی مراجعه کند» (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۶، ص ۱۴۱). با این وجود دلالت آیه از دیدگاه مذاهب فقهی، در هیچ پژوهش مستقلی بررسی نشده است. فقیهان مذاهب در برداشت‌های خود، بیشتر فقط به استناد به این آیه بسنده کرده‌اند و از تحلیل کیفیت استخراج حکم مدنظر از این آیه خودداری کرده‌اند. به نظر می‌رسد این برداشت مستند به اطلاق آیه باشد؛ هرچند به صراحت از اطلاق آیه سخنی به میان نیامده است؛ زیرا طبق مبانی استنباط حکم فقهی از ادله لفظی، وجهی جز تمسک به اطلاق این آیه وجود

ندارد. چه بسا اشکال شود مذاهب فقهی به عدم اطلاق آیه توجه داشته‌اند و حلیت فروع مطرح شده درباره آبزبان را از روایات استفاده کرده‌اند. پاسخ اینکه صریح استشهاد به آیه در حلیت عموم آبزبان (شافعی، ۱۴۱۰: ج ۲، ص ۱۹۹؛ ماوردی، ۱۴۱۹: ج ۱۵، ص ۶۱؛ ابن قدامه، [بی تا]: ج ۱۱، ص ۸۸؛ بهوتی، ۱۴۱۴: ج ۳، ص ۴۱۱؛ ابن حزم، [بی تا]: ج ۵، ص ۳۸۵) نشان می‌دهد که فقیهان مذاهب، دلالت کتاب در جایگاه اولین منبع فقهی بر مدعای خود را پذیرفته‌اند. در این مقاله، ضمن بیان شأن نزول آیه و دلالت آن و طرح فتاوی مذاهب فقهی، صحت استناد به این آیه در فتاوی اشاره شده، به بوته نقد گذاشته می‌شود.

۱. شأن نزول و تفسیر آیه ۹۶ سوره مائده

آیه ۹۶ سوره «مائده» بیان می‌دارد: «أَحَلَّ لَكُمْ صَيْدَ الْبَحْرِ وَطَعَامَهُ مَتَاعًا لَكُمْ وَلِلسِّيَارَةِ وَحَرَّمَ عَلَيْكُمْ صَيْدَ الْبَرِّ مَا دُمْتُمْ حُرُمًا: برای بهره‌مندی شما و کاروانیان، شکارکردن از دریا و خوراکی آن [در حال احرام] بر شما حلال شده و شکار صحرا و بیابان تا زمانی که مُحْرَم هستید، بر شما حرام است».

این آیه در منابع بیشتر مذاهب فقهی غیر از امامیه، مدرک قرآنی حلیت گونه‌های مختلف آبزبان و میته آنها دانسته شده است و مفسران در کتاب‌های تفسیری، دیدگاه‌های متفاوتی درباره دلالت آن بیان داشته‌اند. برای ارزیابی فتاوی ارائه شده از نگاه مذاهب، در این بخش ضمن بیان شأن نزول آیه، مدلول آن بررسی می‌شود.

۱-۱. شأن نزول آیه

هنگامی که رسول خدا (ص) و مسلمانان در سال «حدیبیه» برای عمره با حال احرام حرکت کردند، وسط راه با حیوانات وحشی فراوانی روبرو شدند؛ آن قدر نزدیک که می‌توانستند

حیوانات کوچک را با دست و حیوانات بزرگ را با نیزه‌ها صید کنند. این شکارها به اندازه‌ای زیاد بودند که انبوهی از حیوانات وحشی حلال‌گوشت، دوش به دوش مرکب‌ها و از نزدیک خیمه‌ها رفت و آمد می‌کردند (قمی، ۱۳۶۳: ج ۱، ص ۱۸۲). این آیات نازل شد و مسلمانان را از صید آنها برحذر داشت (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳: ج ۱، ص ۵۰۴ - ۵۰۶): «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيُبْلِغُوا اللَّهُ بَشِيئَةَ مِنَ الصَّيْدِ تَنَالُهُ أَيْدِيكُمْ وَرِمَاحُكُمْ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَخَافُهُ بِالْغَيْبِ... * يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ وَمَنْ قَتَلَهُ مِنْكُمْ مُتَعَمِّدًا فَجَزَاءٌ مِثْلَ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعَمِ...: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خداوند شما را به چیزی از شکار که دست‌ها و نیزه‌هایتان به آن می‌رسد، می‌آزماید تا معلوم شود چه کسی با ایمان به غیب، از خدا می‌ترسد... ای کسانی که ایمان آورده‌اید، در حال احرام شکار نکنید و هر کس از شما عمداً آن را به قتل برساند، باید کفاره‌ای معادل آن از چهارپایان بدهد...» (مأئده: ۹۴ - ۹۵).

با نزول این آیات، این پرسش برای حجاج ایجاد می‌شد که برای تأمین نیازهای خود، به‌ویژه نیازهای غذایی خود از کجا ارتزاق کنند؟ آیه ۹۶ «مأئده» نازل شد و بیان داشت: «أَحَلَّ لَكُمْ صَيْدَ الْبَحْرِ وَطَعَامَهُ مَتَاعاً لَكُمْ وَلِلسَّيْرَةِ...».

۲-۱. شرح و تفسیر آیه

این آیه، دو چیز را مجاز کرده است: ۱. صید بحری؛ ۲. طعام بحری.

۱-۲-۱. صید بحری

صید در معنای عام، حیوان ممتنع و فراری است که ملک شخص دیگری نیست (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۳، ص ۲۶۱؛ طریحی، ۱۴۱۶: ج ۳، ص ۸۹). به دلیل گوهر معنایی

امتناع در صید، ابن سیده تصریح می‌کند گرفتن ماهیانی که خودشان از آب بیرون جهیده و مرده‌اند، مصداق صید نیست (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۱۲، ص ۳۶۴).

واژه صید در این آیه هم می‌تواند مصدر باشد (جصاص، ۱۴۰۵: ج ۴، ص ۱۴۶) و هم به معنای اسم مفعولی (یعنی حیوان صیدشده) (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۳، ص ۲۶۱)؛ از این رو از آیه دو حکم قابل برداشت است: ۱. جواز صیدکردن حیوانات دریایی؛ ۲. جواز خوردن گوشت حیوانات صیدشده. شیخ طوسی در بیان معنای صید در «وَحَرِّمَ عَلَيْكُمْ صَيْدَ الْبَرِّ مَا دُمْتُمْ حُرْمًا»، آن را بر هر دو معنای مصدری و اسمی، قابل انطباق می‌داند و می‌نویسد: «واجب است آیه بر حرمت جمیع این دو حمل شود» (طوسی، [بی‌تا]: ج ۴، ص ۲۹). در این قسمت، هر دو دلالت، تبیین و دلایل هر کدام ارزیابی می‌شود.

الف) دلالت آیه بر جواز صید حیوانات دریایی

یکی از احکام حج، حرمت شکار است؛ اعم از اینکه حیوان، حلال‌گوشت باشد یا حرام‌گوشت. قرآن کریم به صراحت این حکم را بیان می‌دارد و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ». در شأن نزول آیه هم گذشت که با وجود فراوانی حیوانات شکاری و دردسترس بودن آنها، تحریم شکار نوعی آزمایش حجاج بوده است (مائده: ۹۴).

با وجود حرمت شکار حیوانات بَرِّ برای محرم، صید حیوانات بحری برای محرم و محلّ جایز است (حلی، ۱۴۱۴: ج ۷، ص ۲۸۲). این جواز، هم درباره ماهی صادق است و هم غیرماهی مانند صدف. در واقع همان‌طور که برای یهود، فقط صیادی در روزهای شنبه حرام شده بود (اعراف: ۱۶۳) نه خوردن غذاهای دریایی، برای حجاج هم با «أُحِلَّ لَكُمْ صَيْدُ الْبَحْرِ»، صیادی در دریا مجاز شده است. رسول خدا (ص) ضمن روایتی در توضیح

چگونگی بعثت خود، به این تقابل حکم یهود و اسلام اشاره می‌دارد و فقره «أَحَلَّ لَكُمْ صَيْدُ الْبَحْرِ» را بر جواز صیادی معنا کرده است (طبرسی، ۱۴۲۴: ج ۱، ص ۱۱۲).

ب) دلالت آیه بر جواز خوردن حیوانات دریایی صیدشده

برخی صید را به معنای اسم مفعولی و «مصید» معنا کرده‌اند (زمخشری، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۶۸۰). طبق این معنا «صید البحر»، آنچه تر و تازه گرفته می‌شود خواهد بود (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ج ۴، ص ۱۲۱۰، ح ۶۸۲۹).

دلیل این دیدگاه در ظهور «صید» در «مصید»، اضافه شدن آن به «بَرِّ» و «بحر» است (خمینی، ۱۳۹۲: ج ۱، ص ۴۴۶). آیاتی همچون «لَيَبْلُوكُمُ اللَّهُ بِشَيْءٍ مِّنَ الصَّيْدِ» (مائده: ۹۳) و «لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ» (مائده: ۹۴)، که در آنها واژه صید به معنای اسم مفعولی به کار رفته است، قرینه این ظهورند. اطلاق «صید» بر حیوان وحشی که هنوز صید نشده نیز به دلیل در معرض اصطیاد بودن آن است (خمینی، ۱۳۹۲: ج ۱، ص ۴۴۶).

در منشأ پیدایش این اختلاف در بیان مراد از «صید البحر»، باید گفت قرآن کریم در بیشتر موارد به متعلق حکم تصریح نمی‌کند و فقط اصل حلیت و حرمت را با تحلیل و تحریم اعیان خارجی بیان می‌کند؛ مانند آیات «أُحِلَّتْ لَكُمْ بَهِيمَةُ الْأَنْعَامِ إِلَّا مَا يُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ...» (مائده: ۱) و «حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالْدَّمُ...» (مائده: ۳). قدر متیقن این است که این آیات، به حرمت اهم منافع توجه دارد (ر.ک: انصاری، ۱۴۲۳: ج ۱، ص ۱۹). برخی معتقدند تحریم عین، مستلزم تحریم جمیع منافع متعلق به آن است (حلی، ۱۴۱۴: ج ۷، ص ۲۶۴)؛ از این رو در آیه «وَحُرِّمَ عَلَيْكُمْ صَيْدُ الْبَرِّ»، جمیع امور مرتبط با صید از جمله صید کردن، خوردن حیوان صیدشده توسط دیگران، اشاره به صید، بستن آنها و... حرام خواهد بود.

بهترین راه برای حل مشکل دوجوهی بودن متعلق در دلالت آیات پیشین، توجه به سیاق آیه است؛ برای نمونه در آیه «وَيَحْرِمُهُمُ الْخَبَائِثَ» (اعراف: ۱۵۷) که هم به تحریم اکل انطباق شدنی است و هم به تحریم بیع، به قرینه مقابله با فقره «وَيَحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ»، مراد آیه تحریم اکل خواهد بود، نه مطلق انتفاع از آن (انصاری، ۱۴۲۳: ج ۱، ص ۲۶). برای انتخاب یکی از دو حکم جواز صید حیوانات دریایی یا جواز اکل آنها در فقره «أُحِلَّ لَكُمْ صَيْدُ الْبَحْرِ» نیز توجه به سیاق آیات و اهم مقصود آیه راهگشاست. این آیه با توجه به احکام خاص حج که هر نوع شکار (اعم از حلال گوشت و حرام گوشت) برای حجاج حرام است، در مقام بیان حکم صیادی کردن است، نه خوردن حیوانات صید شده (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۶، ص ۱۴۱؛ طهماز، ۱۴۳۰: ج ۵، ص ۲۶۰). مطابق این برداشت، به اتفاق فقها صیادی حیوانات دریایی مجاز دانسته شده است (جصاص، ۱۴۰۵: ج ۴، ص ۱۴۵)؛ از این رو، نظر تحقیقی این نوشتار، دلالت آیه بر جواز صید و شکار آبزبان در حال احرام است، نه جواز خوردن آبزبان صید شده؛ پس متعلق حِلِّ در «أُحِلَّ لَكُمْ صَيْدُ الْبَحْرِ»، اصطیاد خواهد بود (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۶، ص ۱۴۱).

آیه «وَإِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا» ۳ (مائده: ۲) در تجویز اصطیاد بعد از خروج از احرام می تواند این برداشت را تقویت کند؛ زیرا بیان می دارد آنچه در حال احرام، به طور موقت ممنوع شده است، صید کردن بوده است که با خروج از احرام، دوباره مجاز می شود. فقیهان عامه نیز در کتاب الحج در ابواب جداگانه ای نظیر «المحرم یجتنب الصيد» (بغوی، ۲۰۱۱: ج ۴، ص ۱۳۵ - ۱۳۷) به این برداشت صحه گذاشته اند. آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ وَمَنْ قَتَلَهُ مِنْكُمْ مُتَعَمِّدًا فَجَزَاءٌ مِثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعَمِ...» (مائده، ۹۵) در تشریح حکم کفاره هم برای شکار حیوانات نیز سیاق آیات را تحریم صیادی عنوان می کند.

از جمله قراین روایی مبنی بر دلالت آیه بر نهی از شکار، روایت ابن عباس از رسول خدا (ص) در روز فتح مکه است که فرمود: «إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ مَكَّةَ، فَلَمْ تَجَلِّ لِأَحَدٍ قَبْلِي وَلَا تَجَلِّ لِأَحَدٍ بَعْدِي... وَلَا يَنْفَرُ صَيْدُهَا» ۴ (بخاری، ۱۴۲۲: ج ۳، ص ۱۴، ح ۱۸۳۳). این روایت با اشاره به خصوص حرمت فراری دادن صید، گویای حرمت خود صیادی کردن است. همچنین عامه در روایتی از رسول خدا (ص) نقل کرده‌اند: «شکار بوی بر شما حلال است، درحالی که در احرام هستید، مگر اینکه خودتان آن را صید کنید یا برای شما صید شود» (ترمذی، ۱۴۲۲: ص ۲۶۵، ح ۸۴۷). شافعی بیان می‌دارد این حدیث، بهترین حدیث نقل شده در این باب است (ابن تیمیه، ۱۴۰۸: ج ۶، ص ۵۸).

دلیل سوم در تأیید مدعا، معنای موضوع له «صید» است. ابن منظور صید را مصدر به معنای صید کردن می‌داند و می‌نویسد: «صَادَ الصَّيْدَ يَصِيدُهُ وَ يَصَادُهُ صَيْدًا: إِذَا أَخَذَهُ وَ اضْطَادَهُ» (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۳، ص ۲۶۱). راغب نیز صید را مصدر «صاد» می‌داند (راغب، ۱۴۱۲: ص ۴۹۷). اگر صید در معنای اصطیاد باشد، استعمال حقیقی خواهد بود؛ درحالی که حمل آن بر معنای حیوان صید شده، مجاز است. روشن است که در چنین شکی، اصل حقیقی بودن استعمال جاری می‌شود. البته در برخی موارد به دلیل وجود قرینه، قطعاً در معنای اسم مفعولی به کار رفته است؛ مانند آیه «لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ» (مائده: ۹۵). گفتنی است که خود همین آیه هم نشان می‌دهد هدف فقره «أَجَلٌ لَكُمْ صَيْدُ الْبَحْرِ»، تحلیل شکار است، نه تمرکز بر حلیت اکل؛ چون همه آیات دارای منع صریح، از شکار منع کردند.

۲-۱. طعام بحری

واژه «طعام» در قرآن کریم در مواد زیادی استعمال شده است و معانی مختلفی برای آن بیان گردیده است. این واژه هم به معنای مصدری یعنی غذا خوردن ۵ به کار رفته است

(ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۱۲، ص ۳۶۴) و هم به معنای اسم مصدری، یعنی غذا و مأکول (ابن فارس، ۱۴۰۴: ج ۳، ص ۴۱۰). در لغت حجاز اگر طعام به طور مطلق استفاده شود، به معنای گندم می‌آید (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۱۲، ص ۳۶۴). این استعمال به دلیل آن است که غذای اصلی آنها، نان است، وگرنه لغت دانان تصریح کرده‌اند که مفهوم طعام، عام است و بر هر چیزی اطلاق می‌شود که گرسنگی را برطرف می‌کند (فراهیدی، [بی‌تا]: ج ۲، ص ۲۵). به نظر می‌رسد طعام در این آیه، به معنای اسم مصدری (خوردنی) می‌باشد (راغب، ۱۴۱۲: ص ۵۱۹)؛ همان‌طور که در آیه «وَيَطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حَيْثُهِ مَسْكِينًا» (انسان: ۸) در فضیلت اهل بیت (ع) به همین معناست. ابن‌ابی‌حاتم برای مصادیق طعام در این آیه، پنج وجه بیان کرده است (ابن‌ابی‌حاتم، ۱۴۱۹: ج ۴، ص ۱۲۱۱ - ۱۲۱۲). گروهی از مفسران، طعام را به ماهی مرده‌ای معنا کرده‌اند که از آب بیرون افتاده یا بعد از فروکش کردن آب، روی زمین پیدا می‌شود (طبری، ۱۴۱۲: ج ۷، ص ۴۳؛ صنعانی، ۱۴۱۱: ج ۱، ص ۱۸۹). از ابن‌عباس نیز نقل شده است مراد از طعام، حیوانی است که در آب بمیرد (ابن‌قدمه، ۱۹۶۸: ج ۹، ص ۳۹۴). در بیشتر تفاسیر اهل سنت نیز طعام به ماهی که پیش‌تر صید و نمک‌زده شده و برای بعد ذخیره می‌شود، تطبیق شده است، نه ماهی‌ای که خود مرده باشد (طبری، ۱۴۱۲: ج ۷، ص ۴۴؛ صنعانی، ۱۴۱۱: ج ۱، ص ۱۸۹، ح ۷۳۶؛ سمرقندی، ۱۴۱۶: ج ۱، ص ۴۲۰).

در تحلیل و داوری بین این دو معنا با توجه به سیاق و فضای نزول آیه در تحریم صیادی در محدوده حرم و در نتیجه کم‌شدن هر نوع گوشت تازه برای مصرف حجاج می‌توان گفت: طعام دریایی با آذوقه گوشتی حلال که از قبل تهیه شده، سازگارتر است؛ زیرا برخلاف حیوانات خشکی که در مسیر حج در دسترس حجاج بوده‌اند، ماهی تازه فقط از نهرها و دریاها قابل صید بود که در شبه جزیره و اطراف کعبه هم به‌ندرت یافت می‌شد. برای برخورداری حجاج از غذای گوشتی، این اجازه به آنها داده شد تا گوشت ماهی را که از

قبل آماده می‌شد و با شور و خشک‌کردن، ماندگاری‌اش بالا می‌رفت، با خودشان به همراه داشته باشند و استفاده کنند. موقعیت جغرافیایی اطراف مکه در محدودیت دسترسی به آب‌های آزاد با تطبیق طعام بر ماهی‌هایی که از آب بیرون افتاده باشند، ناسازگار است؛ زیرا وقتی آب آزاد کم باشد، هم ماهی تازه کم می‌شود و هم ماهی بیرون افتاده از آب. در نتیجه در تأمین غذای گوشت مجاز برای حجاج، فایده‌ای نخواهد داشت. گفتنی است که اصل طرح حکم صید بحری با توجه به کمبود منابع آبی در اطراف مکه، بیشتر به دلیل سفر دریایی حجاج مصری و لبنانی بوده است. اهالی این مناطق، از طریق دریا می‌آمدند و در جده یا قبل از جده پیاده می‌شدند. آنها در وسط دریا محرم می‌شدند؛ یعنی به موازات جحفه محرم می‌شدند و بخشی از مسیر دریا را در حال احرام طی می‌کردند.

امام صادق (ع) درباره «وَّطَعَامُهُ مَتَاعًا لَّكُمْ وَلِلسَّيَّارَةِ» فرمود: «مقصود، ماهی نمک‌زده‌ای است که می‌خورند» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۴، ص ۳۹۲؛ عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۱، ص ۳۴۶). واژه «متاعاً» در نقش ادبی مفعول‌له، می‌تواند این معنا را تأیید کند. این واژه بیان می‌دارد تحلیل اصطیاد و تحلیل غذاهای دریایی (ماهی نمک‌زده)، برای تسهیل برخورداری حاضران و مسافران از جنبه‌های اقتصادی حیوانات صیدشده مانند صدف و جنبه‌های خوراکی غذاهای گوشتی است؛ از این رو با واژه «متاع» بیان شده است. متاع به معنای هر چیزی است که انسان در رفع نیازهای خود از آن بهره‌مند می‌شود (فراهیدی، [بی‌تا]: ج ۲، ص ۸۳؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۲، ص ۱۱۱). اگر «صَيْدُ الْبَحْرِ وَطَعَامُهُ» فقط به حیوانات صیدشده و خوردن حمل شود، از شمول معنایی متاع می‌کاهد؛ از این رو تطبیق فخر رازی در اختصاص ماهی‌های تازه صیدشده به افراد مقیم و ماهی‌های نمک‌زده شده به مسافران، درست نمی‌باشد. علامه طباطبایی ظهور طعام بدون قراین روایی در معنای اعم از حیوانات صیدشده و میته را پذیرفته است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۶، ص ۱۴۱)؛ ولی به نظر می‌رسد کاربرد واژه «طعام» برای این است که

بگوید: برخی از حیوانات صیدشده، قابلیت طعام شدن را دارد که همان حیوان حلال دریایی (ماهی) است؛ پس طعام فقط بر حلال گوشت اطلاق شده است. زمخشری در بیان ظهور آیه، همین معنا را می پذیرد و می نویسد: «غذای دریا، آن چیزی از صیدش است که خورده می شود» (زمخشری، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۶۸۰).

فخر رازی در یک قسمت، فتوای شافعی در حلیت سمک طافی را با تطبیق «طعام» بر آن ترجیح می دهد و در قسمت بعد در تشریح «مَتَاعاً لَكُمْ وَ لِلسَّيَارَةِ»، «طعام» را بر ماهی نمک زده شده تطبیق می کند (فخر رازی، ۱۴۲۰: ج ۱۲، ص ۴۳۸). این امر می تواند نشان از تأثیرپذیری تفاسیر اهل سنت از فتاوی فقهی آنها بوده باشد. به همین دلیل وی در جای دیگری، عبارت «أَجَلٌ لَكُمْ صَيْدُ الْبَحْرِ» را به صیادی معنا می کند، نه حیوان صیدشده (فخر رازی، ۱۴۲۰: ج ۱۱، ص ۲۷۹).

۲. برداشت های فقهی مذاهب از آیه ۹۶ سوره مائده

مذاهب فقهی غیر از امامیه که دارای تألیفات علمی هستند و امروزه در گوشه و کنار شبه جزیره و جهان، در جایگاه شاخه های فقهی، مسلمانان به آنها گرایش دارند، عبارت اند از: حنفیه، شافعیه، حنبلیه، مالکیه، اباضیه، ظاهریه، زیدیه. در این قسمت، دو برداشت فقهی مذاهب مختلف از این آیه بیان می شود.

۲-۱. حلیت انواع گونه های آبزیان

اولین حکمی که مذاهب فقهی با استناد به آیه ۹۶ سوره «مائده» ارائه داده اند، حلیت انواع گونه های آبزیان است. البته مذاهب در بیان مستندات فتوای خود، افزون بر آیه فوق، به روایاتی نظیر «أَحَلَّتْ لَنَا مَيْتَتَانِ وَ دَمَانٍ: فَمَا الْمَيْتَتَانِ فَالْحَوْتِ وَ الْجَرَادِ، وَ أَمَا الدَّمَانِ

فالكبد و الطحال» (نووی، [بی تا]: ج ۹، ص ۳۰) نیز استناد کرده‌اند. در این مقاله، فقط استدلال قرآنی آنها مدنظر قرار گرفته است.

ظاهریه معتقدند حیوانات آبی، در هر حالی به دست برسند (مرده یا زنده)، حلال هستند. در این حلیت هم خنزیر آبی، انسان آبی و غیر اینها مساوی‌اند؛ یعنی هر موجودی که در آب زندگی می‌کند، حلال است (ابن حزم، [بی تا]: ج ۵، ص ۳۸۵). اباضیه نیز همه حیوانات بحری را حلال می‌دانند، هرچند به صورت کلب و خنزیر یا آدم باشد، البته فتاوی نادری هم از برخی از اباضیه نقل شده است؛ ولی اطفیش همه آبزیان را حلال می‌داند (أطفیش، ۱۴۰۵: ج ۸، ص ۳۰۱). مالک همه حیوانات بحری، حتی قورباغه و مار را هم حلال می‌داند (جصاص، ۱۴۰۵: ج ۴، ص ۱۴۵). شافعی نیز ضمن حلال دانستن همه آبزیان، خوردن خنزیر آبی را هم مجاز می‌داند (شافعی، ۱۴۱۰: ج ۲، ص ۱۹۹؛ شافعی، ۱۴۱۰: ج ۲، ص ۲۷۱؛ ماوردی، ۱۴۱۹: ج ۱۵، ص ۶۱). حنابله با تمسک به این آیه معتقدند غیر از قورباغه، مار و تمساح، همه حیوانات بحری حلال‌اند (ابن قدامه، [بی تا]: ج ۱۱، ص ۸۸؛ بهوتی، ۱۴۱۴: ج ۳، ص ۴۱۱؛ جبرین، ۱۴۳۱: ج ۳، ص ۱۵۴۰). مستمسک قرآنی مذاهبی که گونه‌های مختلف آبزیان را حلال می‌دانند، آیه ۹۶ «مأثده» است (جصاص، ۱۴۰۵: ج ۴، ص ۱۴۵).

حنفی‌ها فقط ماهی را حلال دانسته‌اند (موصلی، ۱۴۲۶: ج ۵، ص ۱۵)؛ همچنین مارماهی را به ماهی ملحق می‌کنند و حلال می‌دانند (وزارة الاوقاف، ۱۴۰۴: ج ۵، ص ۱۲۸). در این بین مذهب امامیه از آبزیان، فقط ماهی فلس دار را حلال می‌داند (نجفی، ۱۳۶۲: ج ۳۶، ص ۳۳۷).

۲-۲. حلیت میتة ماهی‌ها

بیشتر مذاهب، ماهی‌ای که در آب بمیرد را حلال دانسته‌اند، هرچند در سبب مرگ ماهی، تفصیلی قائل شده‌اند. شافعی‌ها و حنبلی‌ها، ماهی مرده در آب را حلال می‌دانند؛ چه با سبب

حلیت و حرمت آبیان از دیدگاه مذاهب فقهی با رویکردی به تحلیل فقهی آیه ۹۶ سوره مائده / ۱۴۷

خاصی مرده باشد، مثل اینکه انسان ضربه‌ای به آن بزند و چه بدون سبب، مثل مرگ ماهی به دلیل شدت سرما یا گرمای آب (عمرانی، ۱۴۲۱: ج ۴، ص ۵۲۳؛ حجاوی، [بی تا]: ج ۴، ص ۳۱۶؛ زرکشی، ۱۴۲۳: ج ۶، ص ۶۴۷). در مذهب ظاهریه نیز همه حیوانات آبی هرچند در آب بمیزند، حلال دانسته شده است (ابن حزم، [بی تا]: ج ۷، ص ۳۹۳). مدرک اصلی این حکم، آیه «أَجِلَّ لَكُمْ صَيْدُ الْبَحْرِ وَطَعَامُهُ» دانسته شده است (سرخسی، ۱۴۱۴: ج ۱۱، ص ۲۴۷).

حنفی‌ها، مالکی‌ها و مذهب اباضیه، ماهی را که با حتف آنف و بدون سبب خارجی در آب بمیرد، ۶ حرام می‌دانند (غیتابی، ۱۴۲۰: ج ۱۱، ص ۶۱۴؛ اطفیش، ۱۴۰۵: ج ۲، ص ۲۳۴). یکی از فروع حکم مذکور این است که اگر ماهی با یک وسیله تیز در آب دو نیمه شود و در آب بمیرد، هر دو قسمت حلال خواهد بود؛ چون مرگ آن با سبب خارجی صورت گرفته است (زیلعی، ۱۳۱۵: ج ۵، ص ۲۹۷).

مذاهب امامیه و زیدیه، ماهی‌ای که در آب بمیرد را مطلقاً حرام می‌دانند؛ هرچند داخل شبکه صید در آب بمیرد (شهید اول، ۱۴۱۷: ج ۲، ص ۴۰۸؛ یحیی بن حسین، ۱۴۱۰: ج ۲، ص ۳۲۲).

۳. نقد و تحلیل برداشت‌های فقهی مذاهب از آیه ۹۶ سوره مائده

از مطالب پیشین روشن شد مذاهب فقهی از آیه ۹۶ سوره «مائده»، دو فتوای خاص درباره آبیان برداشت کرده‌اند: ۱. حلیت بیشترگونه‌های دریایی؛ ۲. حلیت میته ماهی، چه در آب بمیرد و چه بیرون از آب. ایرادهای موجود در استدلال مذاهب به این آیه بدین شرح است:

۳-۱. نقد تمسک به اطلاق

به نظر می‌رسد مستمسک مذاهب در فتاوای خود با استناد به آیه مدنظر، اطلاق آیه است (ابن تیمیه، ۱۴۰۹: ج ۲، ص ۱۲۶)؛ زیرا روشن است که آیه، حلیت را مقید به ماهی

نمی‌کند و مطلق صید و طعام بحری را حلال دانسته است (سرخسی، ۱۴۱۴: ج ۱، ص ۲۴۸). البته در بیشتر منابع فقهی مذاهب، به صرف استناد به آیه به عنوان دلیل این حکم، بسنده کرده‌اند و از تحلیل کیفیت استخراج حکم مدنظر از این آیه خودداری کرده‌اند.

برای صحت استناد به اطلاق کلام، شرایطی بیان شده است که از آنها به «مقدمات حکمت» تعبیر می‌شود. این مقدمات عبارت‌اند از: ۱. در مقام بیان تمام مراد خودبودن گوینده؛ ۲. نیاوردن قرینه‌ای متصل که دلالت بر تقييد کند؛ ۳. نبود قدر متیقن در مقام تخاطب (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹: ص ۲۴۷). رکن اصلی مقدمات حکمت، در مقام بیان بودن متکلم است؛ یعنی باید جهاتی که تحت عنوان جزء یا شرط، قید حکم بوده و در آن موثر است مدنظر گوینده باشد و با توجه به تأثیر آنها، حکم را مطلق صادر کند، برخلاف جایی که به جهات تقييد حکم، نظری نداشته و در مقام بیان اصل حکم باشد (سبحانی، ۱۴۱۴: ج ۲، ص ۶۱۴)؛ مانند آیه «يَسْأَلُونَكَ مَاذَا أُحِلَّ لَهُمْ قُلْ أُحِلَّ لَكُمُ الطَّيِّبَاتُ وَمَا عَلَّمْتُم مِّنَ الْجَوَارِحِ مُكَلِّبِينَ تُعَلِّمُونَهُنَّ مِمَّا عَلَّمَكُمُ اللَّهُ فَكُلُوا مِمَّا أَمْسَكْنَ عَلَيْكُمْ» (مائده: ۴). هرچند از اطلاق آیه، این حکم قابل برداشت است که جای گاز سگ شکاری، تطهیر نمی‌خواهد و بدون تطهیر هم قابل استفاده است؛ چون آیه هیچ نظری به طهارت و نجاست عضو گاز گرفته شده ندارد و فقط در مقام بیان حلیت صید سگ شکاری به شرط تسمیه است، نمی‌توان با تمسک به اطلاق آن، به طهارت جای گاز سگ شکاری و جواز اکل آن قبل از تطهیر موضع گاز حکم کرد (سبحانی، ۱۴۱۴: ج ۲، ص ۶۱۶).

آیه ۹۶ «مائده» نیز فقط در مقام بیان اصل حلیت صید و طعام بحری برای افراد محرم است، نه خصوصیات آن؛ پس هنگام شک در جزئیت و شرطیت چیزی در حلیت، نمی‌توان به آن تمسک کرد. در شأن نزول آیه هم بیان شد با توجه به تحریم شکار حیوانات

بِری، این شبهه پیش آمده بود که صیادی همه حیوانات حرام است یا نه؟ از این رو آیه در مقام دفع توهم حظر نازل شده است. در علم اصول در دلالت امر بر وجوب، امر بعد از حظر یا مقام توهم حظر از دلالت بر وجوب استثنا شده است و فقط دلالت آن بر اباحه یا مجرد رفع حظر و اجمال آن پذیرفته شده است (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹: ص ۷۷)، هر چند برخی از عالمان عامه، قائل به ظهور آن در وجوب یا مطابقت با حکم قبل از نهی شده‌اند (سبکی، ۱۴۱۶: ج ۲، ص ۴۳). آیه محل بحث در سیاق آیه «وَإِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا» (مائده: ۲) نازل شده است؛ با این تفاوت که در آیه محل بحث (مائده: ۹۶)، فعل امر نیامده است. پس با توجه به اینکه در آیه، حلیت صید بحری عقیب توهم حظر است، هیچ دلالتی فراتر از اصل جواز صید بحری ندارد و ناظر بر گونه‌های مختلف صید بحری نخواهد بود.

به تعبیر دقیق‌تر، این آیات فقط مانعیت احرام برای برخورداری از حیوانات بَری و عدم مانعیت برای برخورداری از حیوانات بحری را بیان می‌داند و در مقام تأسیس حکم فقهی خوردن گوشت این حیوانات نبوده‌اند. فقره «لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ» نیز با به‌کاربردن «قتل» در شکار حیوانات بَری در حال احرام بیان می‌دارد که احرام، حلیت را موقتی به حرمت تبدیل می‌کند، مگر در حیوانات بحری؛ چون حیوانی که کشته شده است (نه ذبح)، میته می‌شود (جصاص، ۱۴۰۵: ج ۴، ص ۱۳۰؛ ابن عابدین، ۱۴۱۲: ج ۲، ص ۴۸۷).

اشکال درون‌متنی در بطلان تمسک به اطلاق آیه نیز این است که اگر در صید بحری بتوان به اطلاق آیه تمسک کرد، در صید بَری نیز باید بتوان به اطلاق آن استناد کرد؛ زیرا تحریم صید بَری در احرام، نشان می‌دهد صید بَری در غیر احرام، حلال است. روشن است که نمی‌توان حلیت همه حیوانات بَری را با تمسک به اطلاق این آیه پذیرفت؛ از این رو

شافعی در معنای آیه بیان می‌دارد حیواناتی که قبل از احرام، حلال بوده‌اند، با احرام برایشان حرام شده‌اند، وگرنه وجهی برای تحریم حیوانات حرام‌گوشت در حال احرام وجود ندارد و تحریم اول، برای حرمت آنها کافی است (شافعی، ۱۴۱۲: ج ۱، ص ۱۲۶).

۲-۳. غفلت از مدلول آیه در حکم به جواز صید، نه جواز اکل

فقیهان مذاهب در افتابه حلّیت همه‌گونه‌های آبزیان به آیه «أُحِلَّ لَكُمْ صَيْدُ الْبَحْرِ» استناد می‌کنند (فخر رازی، ۱۴۲۰: ج ۱۲، ص ۴۳۷)؛ برای نمونه شافعی با استناد به این فقره، همه حیوانات دریایی حتی خنزیر آبی را نیز حلال دانسته است؛ زیرا آیه همه صیدهای بحری را دربر می‌گیرد و چیزی را تخصیص نرده است (شافعی، ۱۴۱۰: ج ۲، ص ۱۹۹؛ جصاص، ۱۴۰۵: ج ۴، ص ۱۴۵). در حالی که کل آیه ۹۶ و به ویژه فقره «أُحِلَّ لَكُمْ صَيْدُ الْبَحْرِ»، در مقام بیان حکم شکار حیوانات دریایی و صحرایی است، نه حکم خوردن آنها (ر.ک: بابرّتی، [بی تا]: ج ۳، ص ۶۶، کاسانی، ۱۴۰۶: ج ۲، ص ۱۹۶؛ ابن نجیم، [بی تا]: ج ۳، ص ۲۹؛ ابن عابدین، ۱۴۱۲: ج ۲، ص ۴۸۷). بدین ترتیب فقره محل استشهاد، غیر از ایراد در مقام بیان نبودن برای صحت تمسک به اطلاق آن، تخصصاً از استشهاد در باب «اطعمه و اشربه» خارج است؛ زیرا برای بیان حکم صیادی نازل شده است، نه حکم اکل.

جصاص نیز در رد فتوای شافعی در حلّیت همه آبزیان با استناد به این آیه، به دلالت آن بر صرف جواز صید استناد می‌کند و می‌نویسد: «آیه هیچ دلالتی بر ادعای شافعی و امثال او ندارد؛ چون آیه فقط بر اباحه صید به محرم دلالت دارد و ارتباطی با جواز اکل ندارد. دلیل‌گزینش دلالت آیه بر جواز صید، نه جواز اکل این است که فقره «وَحَرِّمَ عَلَیْكُمْ صَيْدَ الْبَرِّ مَا دُمْتُمْ حُرْمًا» بر آن عطف شده و این فقره در مقام بیان اختلاف حکم صید بحری با بری ذکر شده است [روشن است که فقره دوم در تحریم صید بری است، نه تحریم اکل]» (جصاص، ۱۴۰۵: ج ۴، ص ۱۴۵).

۳-۳. غفلت از مدلول آیه در حکم به حلیت ماهی‌های مرده بیرون از آب

مذاهب فقهی در استشهاد به این آیه و تعمیم دلالت آن در حلال دانستن ماهی‌هایی که از آب بیرون افتاده و می‌میرند یا ماهی‌هایی که داخل آب می‌میرند، یا به فقره «صَيْدُ الْبَحْرِ» تمسک می‌کنند یا به فقره «وَطَعَامُهُ». هرچند در منابع خودشان، تحلیل چندانی در این باره ندارد و فقط با استناد به برخی روایات، اولی را به «ما اصطید» و دومی را به «ما رمی به» یا «میته» معنا می‌کنند (نظیر: بغوی، ۲۰۱۱: ج ۶، ص ۳۶).

با این وجود در حالت کلی، دورویکرد برای فقیهان مذاهب ارائه شدنی است:

الف) تطبیق «طعام» بر آبیان نمک‌زده شده با عبارت «مالح»

گروهی که طعام را به معنای ماهی خشکیده و نمک‌زده شده می‌دانند، برای فتوا به حلیت میتة ماهی‌ها با استناد به این آیه، باید این حکم را به اطلاق «صَيْدُ الْبَحْرِ» نسبت دهند. همان‌طور که در تحلیل معنای صید گذشت، اشکال این استناد آن است آیه به جواز صیادی اشاره دارد، نه حلیت حیوانات صید شده.

بر فرض هم اگر دلالت آن بر معنای دوم پذیرفته شود، برای ماهی‌های مرده و کنارافتاده، صید معنا ندارد؛ زیرا در ماهیت صید، امتناع حیوان نهفته است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۳، ص ۲۶۱؛ حرانی، ۱۹۸۸: ج ۲، ص ۱۵۷)؛ از این رو سمرقندی در تطبیق معنای «طعام» می‌نویسد: «طعام، حیوانی است که بدون صید اخذ می‌شود» (سمرقندی، ۱۴۱۶: ج ۱، ص ۴۱۹). تطبیق «طعام» بر ماهی‌های مرده‌ای که کنار آب افتاده‌اند، نشان از تغایر ماهی‌های صید شده با این ماهی‌هاست. در نتیجه معنای آیه چنین می‌شود: «حلال است بر شما، ماهی‌های تازه‌ای که صید می‌کنید و ماهی‌هایی که صید نمی‌کنید، بلکه خودشان بیرون آب می‌افتند» (طبری، ۱۴۱۲: ج ۷، ص ۴۲ - ۴۴).

ب) تطبیق «طعام» بر میتة آبزیان با عبارت «ما قذفه البحر»

گروهی که طعام را به آنچه از آب بیرون افتاده، معنا می‌کنند، در فتوا به حلیت میتة ماهی‌ها با استناد به این آیه، مسیر هموارتری دارند؛ زیرا ماهیت معنایی طعام، هیچ تنافی با میتة ماهی‌ها ندارد؛ ولی با توجه به آنچه در ارزیابی معنای طعام گذشت، این واژه بر میتة ماهی‌ها انطباق‌شدنی نیست، بلکه مراد غذای آماده حلالی است که از صید بحری تهیه می‌شود.

در نتیجه هیچ‌یک از دو گروه، در حکم به حلیت این قبیل از ماهی‌ها نمی‌تواند به این آیه تمسک کند. همچنین این پرسش وجود دارد که فقیهان مذاهب با چه دلیلی، این معنا از «طعام» را بر معنای اول ترجیح می‌دهند؟ اگر مستمسک آنها، روایاتی از عامه باشد که این فقرات را به «ما قذفه البحر» معنا کرده‌اند، این روایات با روایات مؤید گروه اول (جصاص، ۱۴۰۵: ج ۱، ص ۱۳۳ - ۱۳۴)، تعارض دارد و باید به تساقط آنها حکم شود. فقیهان مذاهب در این استنباط، تلاشی برای توفیق بین روایات انجام نداده‌اند و فقط برداشت خود را به آیه تحمیل کرده‌اند؛ حتی ادله روایی نظیر «البحر هو الطهور ماؤه، الحل میتته» که برخی مذاهب عامه برای حلیت میتة بحری به آن تمسک کرده‌اند (مالک، ۱۹۸۵: ج ۱، ص ۲۲)، مخدوش هستند و به دلیل اشکالات سندی موجود، نمی‌تواند عموم آیه محکمه را تخصیص بزند (جصاص، ۱۴۰۵: ج ۱، ص ۱۳۲ - ۱۳۳).

برایند این اشکال‌ها آن است که اگر ماهی بدون صید و قبل از زنده بیرون آوردن آن داخل آب بمیرد، عمومات تحریم میتة از جمله آیه «حُرِّمَتْ عَلَیْكُمْ الْمَیْتَةُ» (مائده: ۳) شامل آن خواهد شد.

۳-۴. لزوم پذیرش حلیت خبائث

قرآن کریم همه خبائث را حرام دانسته است (اعراف: ۱۵۷). لازمه پذیرش حلیت همه آبیان با استناد به این آیه، پذیرش حلیت قورباغه طبق دیدگاه برخی مذاهب و حلیت «إِنْسَانُ الْمَاءِ» توسط همه مذاهب است. سرخسی به شدت چنین فتاوایی را مذمت می‌کند و از آن با عنوان «وَهَذَا تَشْتِيعٌ» یاد کرده است؛ از این رو معتقد است از آبیان، فقط ماهی حلال است (سرخسی، ۱۴۱۴: ج ۱۱، ص ۲۴۸).

نتیجه

با شرح و تفسیر مفردات آیه و توجه به فضای صدور آن روشن شد مراد از «أُحِلَّ لَكُمْ صَيْدُ الْبَحْرِ»، جواز صید و شکار آبیان در حال احرام است، نه جواز خوردن آبیان صید شده؛ همچنین «وَوَطَعَاهُمْ» با آذوقه گوشتی حلال که از قبل تهیه شده است، سازگارتر است.

با توجه به مطالب ارائه شده، براینند تحلیل فقهی آیه «أُحِلَّ لَكُمْ صَيْدُ الْبَحْرِ وَطَعَاهُمْ مَتَاعًا لَكُمْ وَلِلْغِيَاةِ» این است که مذاهب فقهی در فتاوای خود مبنی بر حلیت بیشتر گونه‌های دریایی و حلیت ماهی، اعم از اینکه در آب بمیرد یا بیرون آب، به هیچ وجه نمی‌توانند به این آیه تمسک کنند. در واقع هیچ وجه قابل قبولی در استناد این فتاوا به آیه قرآن در جایگاه اولین منبع فقهی نمی‌توان پیدا کرد و آیه محل بحث، تخصصاً از استشهاد در باب اطعمه و آشربه خارج است؛ زیرا برای بیان حکم صیادی نازل شده است، نه حکم اکل. به بیان دقیق‌تر، آیه اجمال دارد و تنها راه حل این اجمال، قرینیت تناسب حکم و موضوع است که باز هم با استناد مذاهب به این آیه در فتاوای خود تهافت دارد.

استناد به این آیه، هم به دلیل محدودش بودن اطلاق و در مقام بیان حلیت حیوانات بحری نبودن آن و هم به دلیل ترجیح معنای مصدری اصطیاد در فقره «أَجَلٌ لَّكُمْ صَيْدُ الْبَحْرِ» و ترجیح دلالت طعام بر ماهی شور خشکیده بر دیگر معانی آن در فقره «وَطَعَامُهُ»، ناتمام خواهد بود. با توجه به اینکه منابع فقهی مذاهب بدون تحلیل چگونگی دلالت آیه بر مدعای خود، فقط به استشهاد به آیه بسنده کرده‌اند، به نظر می‌رسد این استشهاد برای اعتبار دادن به فتوایشان انجام شده است و همین امر سبب شده است جصاص، نویسنده بزرگ آیات الاحکام اهل سنت بر عدم دلالت آیه بر مدعای شافعی و امثال او تصریح کند.

پی‌نوشت

۱. چهارپایان جز آنچه [در آیات بعد، حُرمتش] بر شما خوانده می‌شود، برایتان حلال است.
۲. بر شما حرام شده است [مانند] گوشت مردار و خون و گوشت خوک.
۳. و چون از احرام بیرون شدید (می‌توانید) صید کنید.
۴. همانا خداوند مکه را مقدس گردانید؛ پس برای هیچ‌کس پیش از من حلال نبود و بعد از من نیز برای کسی حلال نیست ... و فراری دادن صید آن جایز نیست.
۵. قَدْ طَعِمَهُ طَعْمًا وَطَعَامًا.
۶. از ماهی که با مرگ طبیعی در آب بمیرد، به سمک طافی یاد می‌شود (کاسانی، ۱۴۰۶: ج ۵، ص ۳۶؛ طباطبایی، ۱۴۱۸: ج ۱۳، ص ۳۷۲).
۷. در این مسئله نزد عالمان شیعه، اختلاف نظر وجود دارد (ر.ک: نراقی، ۲۰۰۸: ج ۱۵، ص ۴۶۴). در این نوشتار، نظر مشهور مبنی بر حرمت، اتخاذ شده است (ر.ک: خمینی، [بی‌تا]: ج ۲، ص ۱۲۷).
۸. از تو می‌پرسند: چه چیزی بر آنان حلال شده؟ بگو: همه پاکیزه‌ها و شکاری که حیوانات شکاری که به آنها شکار کردن را تعلیم داده‌اید؛ درحالی که از احکام تذکیه‌ای که خدا به شما آموخته، به آنها می‌آموزید، بر شما حلال شده است؛ بنابراین از آنچه آنان برای شما [گرفته و] ننگه داشته‌اند، بخورید.

کتاب نامه

قرآن کریم

- ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۹ ق)؛ تفسیر القرآن العظیم؛ ریاض: مکتبه الباز.
- ابن تیمیه، أحمد بن عبدالحلیم (۱۴۰۹ ق)؛ شرح العمدة؛ ریاض: مکتبه الحرمین.
- _____ (۱۴۰۸ ق)؛ الفتاوی الكبرى؛ بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ابن حزم أندلسی، علی بن أحمد [بی تا]؛ المحلی بالآثار؛ بیروت: دار الفکر.
- ابن رشد قرطبی، أبوالولید محمد بن أحمد (۱۴۲۵ ق)؛ بداية المجتهد؛ قاهره: دار الحدیث.
- _____ (۱۴۰۸ ق)؛ البیان والتحصیل؛ بیروت: دار الغرب.
- ابن عابدين، محمد أمین بن عمر (۱۴۱۲ ق)؛ رد المحتار علی الدر المختار؛ بیروت: دار الفکر.
- ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ ق)؛ مقایس اللغة؛ قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن قدامه، عبدالله بن أحمد (۱۹۶۸ م)؛ المغنی؛ قاهره: [بی تا].
- ابن قدامه مقدسی، عبدالرحمن بن محمد [بی تا]؛ الشرح الكبير؛ بیروت: دار الکتب العربی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق)؛ لسان العرب؛ بیروت: دار صادر.
- ابن نجیم مصری، زین الدین بن ابراهیم [بی تا]؛ البحر الرائق شرح کنز الدقائق؛ بیروت: دار الکتب الإسلامی.
- أطفیش، محمد بن یوسف (۱۴۰۵ ق)؛ شرح النيل و شفاء العلیل؛ [بی تا]: الإرشاد.
- انصاری، مرتضی (۱۴۲۳ ق)؛ کتاب المکاسب؛ قم: مجمع الفکر الاسلامی.
- آخوند خراسانی، محمد کاظم (۱۴۰۹ ق)؛ کفایة الأصول؛ قم: آل البيت.
- بابرتی، محمد بن محمد [بی تا]؛ العناية شرح الهدایة؛ بیروت: دار الفکر.
- بخاری، محمد بن إسماعیل (۱۴۲۲ ق)؛ صحیح بخاری؛ دمشق: طوق النجاة.
- بغوی، حسین بن مسعود (۲۰۱۱ م)؛ شرح السنة؛ مصر: دار التوفیقیة.
- بهوتی، منصور بن یونس (۱۴۱۴ ق)؛ دقائق اولی النهی لشرح المنتهی؛ بیروت: عالم الکتب.
- ترمذی، محمد بن عیسی (۱۴۲۲ ق)؛ سنن ترمذی؛ بیروت: دار الفکر.

- جبرین، عبدالله بن عبدالعزیز (١٤٣١ ق)؛ شرح عمدة الفقه؛ ریاض: مكتبة الرشد.
- جصاص، احمد بن علی (١٤٠٥ ق)؛ احكام القرآن؛ بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- جوادى آملی، عبدالله (١٣٩٠ ش)؛ تسنیم؛ قم: اسرا.
- حجاوی، شرف الدین [بى تا]؛ الإقناع فى فقه الإمام أحمد بن حنبل؛ بیروت: دار المعرفة.
- حرانى، أحمد بن عبدالحلیم (١٩٨٨ م)؛ شرح العمدة؛ ریاض: الحرمین.
- حلّی، حسن بن یوسف (١٤١٤ ق)؛ تذكرة الفقه؛ قم: آل البيت (ع).
- _____ (١٤١٠ ق)؛ إرشاد الأذهان؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- خمینی، سیدروح الله [بى تا]؛ تحرير الوسيلة؛ قم: نشر اسلامی.
- _____ (١٣٩٢ ش)؛ كتاب البيع؛ تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار.
- خویی، سیدابوالقاسم موسوی (١٣٥٢ ش)؛ أجود التقیرات؛ قم: العرفان.
- راغب، حسین بن محمد (١٤١٢ ق)؛ مفردات ألفاظ القرآن؛ بیروت: دار العلم.
- زبیدی، سیدمحمد مرتضی (١٤١٤ ق)؛ تاج العروس؛ بیروت: دار الفكر.
- زركشى، محمد بن عبدالله (١٤٢٣ ق)؛ شرح الزركشى؛ بیروت: دار الكتب العلمية.
- زمخشري، محمود بن عمر (١٤٠٧ ق)؛ الكشاف؛ بیروت: دار الكتاب العربی.
- زيعی، عثمان بن علی (١٣١٥ ق)؛ تبیین الحقایق؛ بولاق: امیریه.
- سبحانی، جعفر (١٤١٤ ق)؛ المحصول؛ قم: موسسه امام صادق (ع).
- سبکی، تقی الدین (١٤١٦ ق)؛ الإبهاج فى شرح المنهاج؛ بیروت: دار الكتب العلمية.
- سرخسی، محمد بن أبی سهل (١٤١٤ ق)؛ المبسوط؛ بیروت: دار المعرفة.
- سمرقندی، نصر بن محمد (١٤١٦ ق)؛ تفسیر السمرقندی؛ بیروت: دار الفكر.
- شافعی، محمد بن ادريس (١٤١٢ ق)؛ احكام القرآن؛ بیروت: دار الكتب العلمية.
- _____ (١٤١٠ ق)؛ الامّ؛ بیروت: دار المعرفة.
- شهید اول، محمد بن مکی (١٤١٧ ق)؛ الدروس الشرعية؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی.

- شیخ حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ ق)؛ وسائل الشیعة؛ قم: آل البيت (ع).
- صنعانی، عبدالرزاق (۱۴۱۱ ق)؛ تفسیر القرآن العزیز؛ بیروت: دار المعرفة.
- طباطبایی، سیدعلی (۱۴۱۸ ق)؛ ریاض المسائل؛ قم: آل البيت (ع).
- طباطبایی، سیدمحمد حسین (۱۳۹۰ ق)؛ المیزان؛ بیروت: أعلمی.
- طبرسی، احمد بن علی (۱۴۲۴ ق)؛ الاحتجاج؛ قم: اسوه.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ ق)؛ جامع البیان؛ بیروت: دار المعرفة.
- طریحی، فخرالدین (۱۴۱۶ ق)؛ مجمع البحرین؛ تهران: مرتضوی.
- طوسی، محمد بن حسن [بی تا]؛ التبیان؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- _____ (۱۳۶۵ ش)؛ تهذیب الأحکام؛ تهران: دار الکتب الإسلامية.
- طهماز، عبدالحمید (۱۴۳۰ ق)؛ الفقه الحنفی فی ثوبه الجدید؛ دمشق: دار القلم.
- عمرانی، یحیی بن أبی الخیر (۱۴۲۱ ق)؛ البیان فی مذهب الإمام الشافعی؛ جدة: دار المنهاج.
- عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ ق)؛ تفسیر عیاشی؛ تهران: مكتبة العلمية الإسلامية.
- غیتابی، محمود بن أحمد (۱۴۲۰ ق)؛ البناية شرح الهدایة؛ بیروت: دار الکتب العلمية.
- فراهیدی، خلیل بن أحمد [بی تا]؛ العین؛ بیروت: مكتبة الهلال.
- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ ق)؛ التفسیر الكبير؛ بیروت: إحياء التراث العربی.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳ ش)؛ تفسیر قمی؛ قم: دار الکتب.
- کاسانی، أبوبکر بن مسعود (۱۴۰۶ ق)؛ بدائع الصنائع؛ بیروت: دار الکتب العلمیه.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق)؛ کافی؛ تهران: دار الکتب الإسلامية.
- مالک بن أنس (۱۹۸۵ م)؛ الموطأ؛ بیروت: إحياء التراث العربی.
- ماوردی، أبو الحسن علی بن محمد بغدادی (۱۴۱۹ ق)؛ الحاوی الكبير فی فقه مذهب الإمام الشافعی؛ بیروت: دار الکتب العلمية.
- مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳ ق)؛ تفسیر مقاتل بن سلیمان؛ بیروت: إحياء التراث العربی.

- موصلي، عبدالله بن محمود (١٤٢٦ ق)؛ الاختيار لتعليق المختار؛ بيروت: دارالكتب العلمية.
نجفي، محمد حسن (١٣٦٢ ش)؛ جواهر الكلام؛ بيروت: دار إحياء التراث العربي.
نراقى، احمد (٢٠٠٨ م)؛ مستند الشيعة؛ بيروت: آل البيت (ع).
نووي، يحيى بن شرف [بى تا]؛ المجموع شرح المهذب؛ بيروت: دار الفكر.
وزارة الأوقاف (١٤٠٤ ق)؛ الموسوعة الفقهية الكويتية؛ كويت: دار السلاسل.
يحيى بن حسين (١٤١٠ ق)؛ الأحكام فى الحلال و الحرام؛ [بى جا]: [بى نا].